

پدیدارشناسی سیاست در جریان جماعت تبلیغ

نویسنده: حسین جهان تیغ^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۳

چکیده

از سال شکست مسلمانان - ۱۸۵۷م - در مقابل استعمار بریتانیا و همچنین عوامل دیگری از جمله «سقوط خلافت عثمانی»، «خرافات و بدعت‌های متصوفه» و «اذیت و آزار بریتانیایی‌ها» باعث تشدید درگیری مسلمانان با هندوها شد و در همین راستا با ایجاد حرکت‌های تقابلی، نوعی جنگ نرم به نام تبلیغ برای تقویت و انسجام بنیه دفاع دینی مسلمانان در قبال دو جبهه تبشیر و هندو در بین مسلمانان شکل گرفت که «جماعت تبلیغ» به سرپرستی محمد الیاس کاندهلوی از علما و محدثین سنی حنفی وابسته به مکتب کلامی ماتریدیه، یکی از آنان بود. این حرکت که بیش از هر چیز دغدغه تغییر را در سر می‌پروراند، با الهام از ایدئولوژی سه مجدد و با استفاده از طریقه عرفانی، تجربه جدیدی از تکنولوژی قدرت (اجرای شریعت، نهاد خودفرمانده و خودسازمان ده) را سامان داد. اندیشه دینی این جریان بر خلاف ادعای خود آمیخته با سیاست است که امر سیاسی آنان نزدیکی به قدرت با استفاده از ابزارها و روش‌های ساده همانند مسجد، نیروی انسانی رایگان و هزینه‌های شخصی است.

جماعت تبلیغی، از پرنفوذترین و فراگیرترین جریان‌های اسلامی معاصر در شبه‌قاره هند و کشورهای مجاور است که هدفی تبلیغی دارد. این جریان از منطقه‌ای در نزدیکی دهلی آغاز کرد و به تدریج در سراسر هند و بعدها شبه‌قاره و سایر کشورها گسترش یافت. سؤالی که این تحقیق در پی پاسخگویی به آن است، این است که آیا سیاست در جنبش جماعت تبلیغ به معنای رایج امروزه، در کشورهایی مانند جهان سوم که اغلب فرآیند دولت - ملت‌سازی را به صورت ناقص طی کرده‌اند، مصداق دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که تبلیغ در کشورهای جهان سوم در طول فرآیند دولت - ملت‌سازی متأثر از رقابت و روابط مذهبی است. بر این اساس، بعد سخت‌افزاری جماعت از قبیل ساختارهای گروهی و تأسیس مراکز و نهادهای وابسته به آن، نمود بیشتری داشته است؛ به‌ویژه پس از رویداد «۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» و به دلیل ارتباطات برون مرزی و پیوست با کشورهای بحران‌ساز در امنیت بین‌المللی - به دلیل همان رقابت مذهبی - ریشه در ساختار داخلی و عوامل خارجی و برخی موارد برخاسته از ذهن توهم‌نگر دارد.

واژگان کلیدی:

پدیدارشناسی، سیاست، جنبش، جماعت، امیر، جماعت تبلیغ، ماتریدیه



مقدمه

از سال ۱۹۲۰ و با زمزمه سقوط خلافت، همراه با خرافات و بدعت‌ها و اذیت و آزار استعمار بریتانیا در هندوستان، در اسلام سنی حنفی وابسته به مکتب کلامی ماتریدیه جریانی پا به عرصه وجود گذاشت که بیش از هر چیز دغدغه تغییر داشت و با ایجاد این تغییرات، دنبال بازگشت به دوران رسالت اولی و خیرالقرون بود. این جریان با الهام از جریانات علمی و فرهنگی مسلمانان شبه‌قاره، تجربه جدیدی را به نام جماعت تبلیغ از خود بر جای گذاشت و با تأسی به اندیشه‌های سه مجدد دیوبندی، ایدئولوژی آنان را سرلوحه کار خود قرار داد و با استفاده از طریقه عرفانی جمالی به جای جلالی از شاخه نظامی چشتیه در مقابل شاخه صابریه، تجربه جدیدی از تکنولوژی قدرت را سامان داد. جماعت تبلیغی، از پر نفوذترین و فراگیرترین جریان‌های اسلامی معاصر در شبه‌قاره هند و کشورهای مجاور است که در ۱۳۵۵ق توسط مولانا محمد الیاس کاندهلوی (متوفی ۱۳۶۲ق) تأسیس شد. این جنبش، هدفی تبلیغی دارد و به منظور تبلیغ اسلام بر پایه مکتب کلامی ماتریدیه و مذهب حنفی، از منطقه‌ای به نام میوات در نزدیکی دهلی آغاز کرد و به تدریج در سراسر هند و بعدها شبه‌قاره و حتی سایر کشورها گسترش یافت، به گونه‌ای که امروزه در جهان شناخته شده است.

این جماعت در اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی جامعه مسلمانان هند، پس از پایان جنگ جهانی اول ظهور کرد. در آن زمان، میان رهبران مذهبی و سیاسی مسلمانان هند تفرقه وجود داشت. عده‌ای حفظ منافع مسلمانان را در عدم رویارویی با انگلیسی‌ها می‌دیدند و برخی طرفدار مبارزه با انگلیسی‌ها بودند. گروهی، هندوها را نیز خطر جدی برای مسلمانان می‌دانستند و عده‌ای در مبارزه با استعمار انگلیس بر همکاری با هندوها تأکید داشتند.

وضعیت اصلاحات مذهبی و جنبش‌های سیاسی در میان مسلمانان هندوستان بدین گونه بوده که جنبش‌های مذهبی اسلامی در مراحل، تمایل داشته‌اند در سیاست دخالت کنند و جنبش‌های سیاسی نیز نمی‌توانسته‌اند توده‌های مردم مسلمان را به خود جذب کنند، مگر اینکه رنگ و بوی مذهبی می‌گرفتند. اما بنا بر ادعای جماعت تبلیغ، این مجموعه یک استثنا محسوب می‌شود؛ زیرا بانی آن تلاش کرده که یا به علت شرایط حاکم یا تحت تأثیر عقاید خودش، آن را از نفوذ سیاست به دور نگه داشته و با تعصب، جنبش را محافظت نماید تا از آن به خاطر مقاصد سیاسی، سوءاستفاده نشود. جنبش جماعت تبلیغ را به عنوان یک سازمان غیردولتی و بین‌المللی، می‌توان یکی از پیچیده‌ترین سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی دانست که ذهن سیاستمداران



و سیاستگذاران را در سراسر جهان به خود مشغول کرده است؛ زیرا از یک طرف سیاستگذاران می‌دانند که این جنبش بین‌المللی، بدون مرز است و حوزه فعالیت آن جهانی است. از سوی دیگر، بی‌مکان بودن و پرهیز از سیاست، کار شناخت و مواجهه با این جنبش را بسیار دشوار کرده است. جماعت تبلیغ هرگز درون یک مرز خود را محصور نکرده و از یک دولت یا ایده خاص حمایت نمی‌کند بلکه خود را چتری می‌داند که هر کس اصولش را قبول کند، در زیر این چتر جا خوش نماید و ورود و خروج از این سایه هم آنقدر آسان صورت می‌گیرد که نه از ورود، دچار ذوق زدگی و نه از خروج، به مرگ مبتلا می‌شود.

جماعت تبلیغ با این رویکرد در پیگیری اهداف خود، ضمن برخورداری از امکاناتی با چالش‌هایی نیز روبه‌روست. بر این اساس، به نظر می‌رسد با بررسی و تحقیق درباره جماعت، می‌توان ضمن شناخت این جریان، انتظارات مشخصی از آن داشته و برخورد و مدیریت مناسبی در قبال آن اعمال کرد.

هدف این بررسی، طبق اصول پدیدارشناسی، آشکار نمودن جایگاه سیاست در این جریان است که خارج از حلقه مسلمانان کمتر شناخته شده است. میدان این تحقیق، محدود به مطالعه تاریخی این جنبش و سیر تحول آن است.

بر این اساس، در این تحقیق از داده‌های اسنادی استفاده شده که اکثر منابع از زبان اردو برگردانده شده اما پایه اصلی تحقیق، بر اساس تحقیقات میدانی با روش مشاهده مشارکتی بوده است. این تحقیق از نظر موضوعی به طور عمده به جماعت تبلیغ و جایگاه سیاست در آن پرداخته است. با توجه به محدودیت دسترسی به اطلاعات و داده‌های مستند، یکی از کارهای درخور این تحقیق، استفاده از منابع مستقیم و در دسترس متصدیان جریان جماعت و کارگزاران آن بود تا از این طریق این نقیصه برطرف شود. اکثر منابع و مصاحبه‌ها توسط مترجم همراه تنظیم، مقوله‌بندی و سپس ارزیابی شده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها بر اساس کمی و کیفی بوده و در تحقیقات کیفی از روش مشاهده مشارکتی به صورت زندگی و همراهی با گروه‌های جماعت تبلیغ بهره‌گیری شده و منابع مکتوب اردو، عربی و انگلیسی و اندک منابع فارسی نیز مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است و با رهبران این جریان در هند، پاکستان، بنگلادش، ترکیه، امارات متحده عربی، عمان و ایران مصاحبه شده است.



چارچوب مفهومی تحقیق

نحوه کاربرد قدرت در این پژوهش مطابق مدل «سنت خرد و کلان مسلمانان» شبه‌قاره است که با استفاده از راهبرد و استراتژی بیان فضایل به جای مسائل (اسلام مکی - فرهنگ و اسلام مدنی - سیاست) با مفاهیم شورا، امارت، هجرت، رد تکفیر و آگونیسیم^۱ با تقویت ایمان و تقدم عمل به هجرت پرداخته و تحت ریاست و امارت یک امیر و وجوب اطاعت از او که توسط شورای اهل حل و عقد، شبیه لویی جرگه - مجلس نخبگان و خبرگان افغانستان - انتخاب می‌شود، تن در دهند. افق ذهن و تفسیر من از متن و ذهن الیاس سیاست و اندیشه سیاسی جدیدی به نام دعوت و تبلیغ است. این حرکت از دهه پنجاه در ایران آغاز شد و از دهه شصت با بیداری اسلامی به خاطر انقلاب و مذهب شیعه که هر چه بیشتر ثبات و قدرت گرفت، آنها نیز به موازات انقلاب قدرت گرفته و دارای ساختار سیاسی منسجمی گردیدند.

برگر پدیدارشناسی را تنها روش مناسب برای پدیده‌های دینی می‌داند و معتقد است که پدیدارشناسی به فهم پدیده‌ها از درون می‌پردازد و این سخن به این معنی است که عقاید و باورهای دینی را باید از زبان معتقدان به یک دین خاص مطالعه کرد (برگر، ۱۹۷۹: ۳۲). پیتز برگر، همه توان خویش را صرف بنیادهای شناسایی زندگانی روزمره نموده است. او برای توضیح بنیادهای شناسایی در زندگانی روزمره، روش تحلیل پدیدارشناختی یعنی روشی مطلقاً تشریحی را بهترین روش می‌داند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۳۴). روش پدیدارشناسی برگر، دارای اصول بنیادین زیر است: عنصر آگاهی، میان ذهنیت، عنصر زبان، تعلیق، داوری، تکیه بر عقل سلیم.

با روش مفهومی پدیدارشناسی، می‌توان این گونه فهمید که جنبش جماعت تبلیغ از دوره مقدماتی، میانی و نهایی اسلام برای حرکت خویش دوره اولی را انتخاب و اعلام نمود که فعلاً تلاش و عمل برای بازتولید ارزش‌ها و ارج‌های عصر نخستین اسلام ضرورت دارد.

الیاس با مدل مفهومی «سنت خرد و کلان» که هر کدام از این دو سنت از سه گروه علما، روشنفکران و طبقه پایین تشکیل شده است، می‌خواهد با راهبرد و استراتژی نرم‌افزاری فرهنگ و تبلیغ (اسلام مکی) جامعه کوچک مسلمان را از طریق راهبرد سیاسی (اسلام مدنی) به سیاست، مشارکت در قدرت و صاحب نقش برساند.

مسلمانان هند، جامعه‌ای یکپارچه نیستند که دارای فرهنگ واحد و زبان واحد باشند و با نگرشی یکسان به زندگی بنگرند. اگر مجاز باشیم که به مفهوم سنت خرد و کلان، آنگونه که در انسان‌شناسی فرهنگی تعریف می‌شود (امتیاز احمد، ۱۹۷۶: ۹۵) استناد کنیم،

۱. Agonism: تفاهم، کوشش مقابل آنتاگونیسیم که به معنای ضدیت و غیریت آمده است.



در مجموع، در سنت کلان مسلمانان هند، سه گروه - که هر گروه سه زیرمجموعه دارد - دیده می‌شود:

(الف) علمای دینی

(ب) طبقه جدید تحصیلکرده که گرایش غربی دارند

(ج) مسلمانان عقب‌مانده و فقیر (همان: ۹۷)

تحول، از اسلام مکی یعنی حرکت از فرهنگ به سیاست که وجه بارز این جریان است، با استفاده از نظریات محمد محمود طه، عبدالله احمد نعیم و محمد شحرور شکل گرفته است و پیروان بعد از وی، تحول از اسلام مکی به مدنی را با استفاده از امکانات جدید و نو کردن ابزار قدیمی و سنتی مانند مساجد مجلل، مراکز مجهز، مدارس دینی پرجمعیت، نماز جمعه و توره‌های قدرت به نمایش گذاشتند. طبق این نظریه، رسالت مدنی مناسب انسان قرن بیستم نیست بلکه الگوی شخصی حیات پیامبر اسلام (ص) و مناسب قرن هفتم (میلادی) و شرایط آن زمان است (وائل بن حلق، ۱۳۸۶: ۳۴۶). آنچه در مدینه اتفاق افتاد، فرع و آنچه در اسلام مکه آمده، اصل است و بر خلاف عرف جاری که الگوی مدنی را ناسخ الگوی مکی گرفته‌اند، این نظریه الگوی مکی را ناسخ اسلام مدنی می‌داند؛ چون اصل، ناسخ فرع تواند بود نه بالعکس... طبق این نظریه، رسالت اصلی اسلام، همان رسالتی است که در مکه ظهور کرد و آنچه در مدینه پدیدار شد، در واقع رسالت ثانوی و فرعی اسلام بود. از این رو، برای بنای شریعت و فقهی که اصلی و واقعی باشد، باید به اسلام مکی بازگشت و آن را مبنای تأسیس شریعت و فقه دوران جدید قرار داد (رسالت مکی یا رسالت اصلی اسلام) مناسب عصر کنونی است و (رسالت مدنی یا رسالت فرعی اسلام) مناسب عصر پیامبر (ص) بوده است (احمد النعیم، ۱۳۸۱: ۱۴۴). اما مخالفان این نظریه معتقدند که حتی اگر این بازگشت درست هم باشد، ما انسان‌ها چنین اجازه‌ای نداریم و این مهم، کار پیامبران و محتاج به پیامبر است و پیامبری نیز در اسلام خاتمه یافته است. محمد طه برای پاسخ به آنها یادآور می‌شود که آنچه خاتمه یافته نبوت است و نه رسالت (محمد طه: ۸).

محمد محمود طه در کتاب رسالت دوم خود چنین می‌نویسد:

تقسیم قرآن به سوره‌های مکی و مدنی، حاکی از تفکیک امت به مسلمین (با اسلام در ابتدایی‌ترین سطحش یعنی صرف پذیرش ظاهری آغاز می‌شود) - که به لحاظ تاریخی منافقین را نیز شامل می‌شود - و پس از گذر از چند مرحله تکامل روحی به اسلام به عنوان تسلیم کامل درونی در برابر خدا منتهی می‌شود) و مؤمنین است. تفاوت سوره‌های مکی و مدنی «نه به جهت زمان و مکان وحی آن که اساساً به دلیل مخاطبینی که هر کدام از این سوره‌ها،



هنگام نزول داشته‌اند» اگر چه سوره‌های مکی پیش از سوره‌های مدنی نازل شده‌اند، با وجود این تجسم‌بخش «سطحی بالاتر» از اسلام یا در سطح دوم پیام هستند؛ بنابراین گذر از مکه به مدینه، یک حرکت نزولی از سطح بالاتر گروه مسلمین به سطح پایین‌تر گروه مؤمنین است... مردم نخست به پذیرش اسلام به صورت [نهایی‌ترین معنا] دعوت شدند و هنگامی که در انجام آن درماندند و به ویژه آشکار شد که آنان پایین‌تر از حد مطلوب هستند، بار دیگر به فراخور قابلیت‌هایشان فراخوانده شدند. خدا با عرضه میزان بالاتر، حجت را بر مردمان تمام کرده است (جان کوپر، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

بیان مشیرالحسن درباره جماعت نیز تا حدودی منطبق با این راهبرد است. آنجا که می‌نویسد:

تجربه‌ای که الیاس از کار در میان میواتی‌ها^۱ به دست آورده بود، او را متقاعد کرد که انتقاد صریح و مستقیم از عقاید، رسوم و اعمال غیر اسلامی، مردم را از برنامه او متنفر و بیگانه می‌کرد؛ بنابراین به جنبش صدمه می‌زد. اگر در نخستین وهله، در میان مردم آگاهی دینی به وجود می‌آمد، نتایج ثمربخشی به بار می‌آورد. این امر، سر انجام به آگاهی عمیق مؤمنان نسبت به فرایضی که شریعت بر آنان مقرر داشته است می‌انجامد و آنان با میل خود و بر اثر کشش باطنی، به طور خودکار به آیین اسلامی می‌پردازند (مشیرالحسن، ۱۳۶۷: ۳۵۹-۳۵۸).

سیاست و جماعت تبلیغ

در اصطلاح عالمان دین به جای واژه سیاست، «تدبیر و چاره‌اندیشی» به کار رفته است. از به کارگیری بعضی واژه‌ها در دوران معاصر در فقه اسلامی معنای نامناسبی برداشت می‌شود که یکی از آنها کلمه «حیل» یا «حیله» است. در جایی که علما درباره موضوعی به بن‌بست می‌رسند، به دنبال برون‌رفت از آن می‌گردند. این برون‌رفت، حیله شرعی یا تدبیر نامیده می‌شود که به معنای مکر، فریب و نیرنگ یا دیگران را سرکار گذاشتن و کلاه‌گذاری نیست. اشرف علی تهانوی کتابی دارد به نام «الحیله الناجزه للتحلیله العاجزه» یعنی تدبیر قطعی برای زنی که به دلیل مفقود شدن شوهرش به بن‌بست رسیده است. این تدبیر و چاره‌اندیشی همان سیاست است که امروزه در بخشی از کتاب‌های فقهی کتاب الحیله نام دارد. نگاه برخی از عالمان دین به سیاست، پرهیز از دخالت در سیاست بوده است.

سیاست، از نقشی اساسی در مشخص ساختن هدف‌ها و طرح برنامه‌ها برخوردار

۱. Maiwat. منطقه‌ای نزدیک دهلی که حرکت جماعت از آنجا شروع شد.



است و نیز در ترسیم روابط اجتماعی در داخل و نحوه همکاری با کشورهای دیگر دخالت دارد؛ ترسیم سیاسی موفق که اندیشه اخلاقی و وجدانی آن را به وجود آورده باشد، اهمیت خواهد داشت (سحمرانی: ۲۳۴). چون سیاست، مجموعه خواسته‌هایی نیست تا منحرف کردن آنها به آسانی عملی شود، چنین نتیجه می‌گیریم که واجب است: سیاست مادام که انگیزه‌های آن در وجدان‌های آگاه و اندیشه‌های روشن و قلب‌های فهیم باقی است، منحرف نمی‌شود و هرگونه کوششی نیز برای منحرف کردن آن بی‌نتیجه است. به عبارت دیگر، تا وقتی که انگیزه‌های آن به اندیشه‌ها مرتبط باشد، چنین خواهد بود. اما اگر این انگیزه‌ها از اعضای دستگاه هاضمه برخیزد، استعمار خواهد توانست که در تمایلات تحت سلطه این دستگاه دخالت نماید تا کشورهای استعمار شده را از نظر سیاسی و اقتصادی همچنان تحت سلطه خود نگه دارد. اعضا و جوامعی که استعمار بر آنها سوار می‌شود، پایه‌ها و اساسی هستند که فعالیت طبیعی انسان را در کشور به توقف می‌کشاند (ابن نبی، ۱۹۷۹: ۲۶). بر این اساس، مسیر حرکت به سوی استقلال و رهایی از استعمار ترسیم می‌شود و بر عقل به عنوان عامل سیاست تکیه می‌شود، نه بر جهاز هاضمه (معدده)؛ زیرا معدده، خانه بیماری‌هاست (ابن نبی، ۱۹۷۹: ۲۶). از اهداف سیاست امروز، این است که بررسی کند چگونه صلح به دست نمی‌آید، نه اینکه چگونه جنگ افروخته می‌شود. (همان: ۳۲۰).

امیر

به رهبر، بنیانگذار و رئیس گروه یا مرکز جماعت تبلیغ - چه مقیمی^۱ و چه بیرونی^۲ - امیر گفته می‌شود. در برخی از کشورهای عربی که امیر به استاندار نیز اطلاق می‌شود، به خاطر پرهیز از تشابه اسمی، امیر را ذمه‌دار می‌گویند.

تعریف تبلیغ

اصل تبلیغ عبارت از دو چیز است و مابقی شکل ظاهری آن هستند؛ یکی امور مادی و دیگری معنوی است. منظور از امور مادی این است که گروه‌ها و دسته‌هایی را برای پخش و نشر آنچه رسول اکرم (ص) آورده است، در مناطق و کشورهای مختلف بسیج نموده... و منظور از امور معنوی ترویج از جان گذشتن در راه احیای احکام خداوند است (ندوی: ۲۷۹-۲۷۸).

۱. شخصی که در محل سکونت خویش مشغول تبلیغ است، به کسی که در بین عشیره خود تبلیغ می‌نماید، مقامی یا امیر درون مُلکی گفته می‌شود.

۲. به رهبر گروهی که در خارج از محل سکونت خویش مشغول تبلیغ است و رهبری گروهی را برعهده دارد، امیر تبلیغی بیرون مُلکی گفته می‌شود.



چیستی جماعت

جماعت تبلیغ عبارت است از گروهی از افراد که به عنوان تبلیغ دین خداوند، با هزینه شخصی مدتی از وقت خویش را در راه خدا گذاشته و به صورت دسته جمعی از وطن اصلی خود خارج شده و بنا به مدت زمانی که در این راه اعلام و ثبت نام کرده‌اند، طبق صلاحدید مراکز جماعت تبلیغ، به تبلیغ اعزام می‌شوند؛ جنبشی را که فریش نور از آن و اعضایش به مردان شجاعی که همه جا می‌روند و جماعت تبلیغ که مرز نمی‌شناسد، یاد می‌کند (نور، ۲۰۱۰: ۲۵).

به چهار نظریه درباره اهمیت و مسئله جماعت توجه فرمایید:

الف - مسعود مدکالف (Masud Medkalf) در این رابطه می‌نویسد:

اکنون یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های جهان اسلام، جماعت تبلیغ هستند که قصد دارند ایمان را بار دیگر در میان مسلمانان زنده کنند (مدکالف، ۲۰۰۹: ۸۴).

ب - پروفیسور الطاف احمد اعظمی در کتاب «احیای ملت» خویش می‌نویسد:

...از این جهت که هدف جماعت تبلیغ، اصلاح توده مردم بود، دعوتش را به چندین امر ابتدایی و بنیادی، مانند اصلاح کلمه (تلفظ صحیح شهادتین)، اقامه نماز و غیره محدود نمود اما منظور هرگز این نبود که کل اسلام همین است و بس بلکه تصریح کرد که این امور، ابجد و الفبای اسلام‌اند و مدنظرش این است که باید با عبور از این مراحل و به صورت تدریجی به اصول و اعمال اسلام رسید و مرحله نهایی این سعی و تلاش، «سیاست‌نامه یا قدرت سیاسی» است. بنیانگذار جماعت تبلیغ، مانند مولانا ابوالاعلی مودودی، حصول قدرت و حکومت را، اصل هدف و مطلوب تلقی ننمود بلکه آن را جایزه خداوند در برابر ایمان و عمل صالح می‌دانست. اندیشه مولانا محمد الیاس هر چند که به جهاتی از نواقص خالی نبود لیکن به لحاظ کلی، درست و مطابق با قرآن و سنت بود (اعظمی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱).

ج - اکبر احمد، نویسنده مشهور پاکستانی ساکن انگلیس از این جنبش به محبوب‌ترین نهضت یاد می‌کند:

بی‌مناسبت نیست که از جماعت تبلیغ نیز که در اوایل قرن حاضر (قرن بیستم) در دهلی شکل گرفت، ذکری به میان آوریم. در نظر عده زیادی، این گروه «محبوب‌ترین نهضت اصلاحی در جهان اسلام» است. اعضای آن معتقد به برخورداری از روحیه تبلیغ، نشر اسلام و کار با گروه‌های دیگر و توأم با عشق و هماهنگی دوجانبه‌اند... (اکبر احمد، ۱۳۸۹: ۳۴۳).



د - فریش.آ. نور در زمینه الگوهای رفتاری اعضای جنبش جماعت یادآور می‌شود: منطقه و محله زیارتگاهی و تفریحی نظام‌الدین شهر دهلی نو هند و شهر رایوند لاهور پنجاب پاکستان، اکنون یکی از بزرگ‌ترین مراکز تردد گروه‌های انسانی مسلمان و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی این جنبش محسوب می‌شود... شبکه‌ای بودن، محلی بودن و استفاده از امکانات دم‌دست و حاضر، همانند مساجد، مدارس و سایر مراکز تبلیغ با روحیه عمل‌گرایی، به هم آمده و نتایج بزرگی را به بار آورده است... اکنون ما می‌توانیم، دو وجه آرامش و صبر و فعال بودن در عین سکوت این جنبش را بازشناسی کنیم و شخصیت جهانی امروز مسلمان را مدیون این‌گونه از الگوهای رفتاری بدانیم که توانسته است بر محدودیت‌های سیاسی و عقلانی موجود در سرزمین‌های گوناگون غلبه کند و به سمتی برویم که زبان مردم بومی را فهم کنیم و این جماعت بتواند، آنقدر به آنها نزدیک شود و با آنها همدلی کند که از فرهنگ خود جدا شده و به جماعت بپیوندند (پیشین: ۸).

اما سه شخصیتی که این جنبش تحت تأثیر آنان به وجود آمد، عبارتند از:
الف - شیخ احمد سرهندی (۹۷۱-۱۰۳۴/۵۱-۱۵۶۴-۱۶۲۵ م).

محل تولد شیخ احمد سرهندی^۱ یکی از شهرهای استان پتیلای پنجاب شرقی است که در حال حاضر مرکز آن دهلی می‌باشد (شیال، ۱۳۸۳ش: ۳۶). شیخ احمد پیرو مسلک نقشبندی بود. او همانند سهروردیه، سیاست وابستگی نزدیک خود به دولت وقت را با این نظر که دولت را اسلامی تر کند، دنبال می‌کرد و همین نظر وی در نزدیکی دولت‌های هند، پاکستان، بنگلادش، امارات متحده عربی، عمان، قطر و افغانستان تا کنون به طور جدی به تصوف عمل شده است.

هندوها را کافر تلقی می‌کرد و هر نوع معاشرت و ارتباط با آنها را حتی در تجارت نهی می‌نمود. این حرکت مهمی جدا از عملکرد سایر فرقه‌های تصوف در هند بود. در این زمان، مردم عادی و همچنین معتمدان، تحت نفوذ افکار و عقاید صوفیه قرار گرفتند. به هر حال، جوهر ناب عرفان روشن با ترکیب جهالت و بدعت‌ها آلوده شده بود. از طرفی، استقلال در حوزه عقاید وجود داشت و از طرف دیگر، بدعت‌هایی بود که در طی حکومت اکبر شاه آغاز و تمامی امپراطوری هند را در بر گرفته بود. علمای دنیاپرست اغلب مسئول شروع و ترویج این بدعت‌ها بودند (بلاچمن، ۱۸۷۳: حرف ۱). در حالی که سایر علما در حوزه‌های علمیه سرگرم تدریس بوده و آثار و تفاسیر حجیمی می‌نوشتند و فرامینی مبنی بر ابطال عقاید علمای دنیاپرست امضا می‌کردند، به نظر



می‌رسد که شیخ احمد کسی بود که علیه افکار لیبرالی زمان خود فریاد اعتراض را بلند نمود. او فرقه‌ای از تصوّف را تقویت و گسترش داد که از سایر فرّق تصوّف در هندوستان به شریعت نزدیک‌تر بود؛ بنابراین او برای شریعت در برابر طریقت، اهمیت بیشتری قائل شد؛ آموزش الهیات و قوانین شرعی را برتر از تعالیم تصوّف می‌دانست و اصحاب پیامبر (ص) را بهتر از تمامی بزرگان اسلام تلقی می‌نمود... شیخ احمد از هندوها بسیار متنفر بود. او آنها را دهیمی - بی‌ایمان - نمی‌نامید بلکه آنها را اهل کفر خطاب می‌کرد [جزیه از بی‌دینان اخذ نمی‌شود، فقط از اهل کتاب - دهیمی - گرفته می‌شود. هنگامی که مسلمانان به هند آمدند، متوجه شدند که اکثر هندوها بت‌ها را می‌پرستند اما روش‌های آنها با روش‌های کفار مکه در زمان پیامبر (ص) بسیار متفاوت بود. در میان هندوها افراد زیادی وجود داشتند که طبق اعتقادشان فقط یک خدا را می‌پرستیدند، با هندوان نیز چنان رفتار می‌نمودند]. شیخ احمد خود را همان مجدد می‌دانست و کوشید تا اسلام روزگاران خودش را از تمامی بدعت‌ها و اعمال غیراسلامی پاک کند. او اجازه جزئی‌ترین انحراف از مسیر اسلام را - که بر اساس قرآن و تعالیم پیغمبر (ص) بود - نمی‌داد. حتی عقاید و اعمال صوفیه باید با شریعت مطابقت می‌کرد. او در تلاش به منظور خالص کردن اسلام، رویکردی آشتی‌ناپذیر را در قبال هندوها و... اتخاذ کرد و مسلمانان را در مسیری هدایت کرد که آنها به جامعه‌ای انحصاری و منزوی تبدیل شوند. در حال حاضر، به‌خوبی می‌توان فرضیه دو ملیتی را مشاهده کنیم که منجر به تجزیه هندوستان شد و سنگ بنای آن را شیخ احمد نهاد.

ب - شاه ولی‌الله دهلوی

ابوالاعلی مودودی درباره شاه ولی‌الله می‌گوید:

در این شکی نیست که او یک محدث اجدادی و یک فقیه بوده است (حسابی: ۱۰۲). او در شبه‌قاره هند و پاکستان، اولین بنیانگذار انتشار دانش حدیث بوده و هر گروهی از علمای ما برای نشر تعلیمات حضرت رسول (ص) مدیون سعی او می‌باشند. به جهت شخصیت قابل احترام و مقتدر او، هر مصلحی در اینجا سعی می‌کند که از نام او بهره‌برداری کند و از گفته‌های او در زمینه‌هایی استخراج می‌کند و تغییراتی در آنها به نفع عقیده خود می‌دهد و به اصطلاح سوءاستفاده می‌کند (حسابی: ۱۰۲). همه کتاب‌های او به زبان فارسی و عربی است. شاه ولی‌الله هیچ‌گاه از برتری مسلک عقلیون و اصالت عقل حمایت نکرده است... او یک طرفدار جدی هر چهار مکتب ارشادکننده فقه بوده است و قصد نداشته است که سیستم شرعی جدیدی برای از بین بردن سابقین وضع و دایر کند. هر چند در نتیجه ملاحظه



سختگیری و خشونت و مخالفت بین مکتب‌های مورد احترام زمان او آرزویی را بیان کرده است. که بهتر خواهد بود اگر بتوان با یک عمل ترکیبی سیستم شرعی جدیدی مخصوصاً از فقه شافعی و حنفی بیرون آورد ولی او هیچ‌گاه در این باره از حد یک نظریه دادن گامی فراتر ننهاده است... (همان جا: ۱۰۳).

او در قرن هجدهم میلادی تلاش کرد تا گسستگی بین مشرب‌های تصوف را که با تعالیم شیخ احمد سرهندی به وجود آمده بود، ترمیم و یک بار دیگر آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. او کوشید تا اختلافات بین اهل علم - علما و اهل بصیرت - صوفیان را حل و همچنین بین رویکردهای فرقه‌های سنی و شیعه تلفیق و آشتی برقرار کند. او منتهای کوشش خود را البته بدون توفیق زیاد انجام داد تا از موج کاهش امور سیاسی، اداری، اجتماعی و دینی مسلمانان جلوگیری به عمل آورد... او هرگز ادعا نکرد که اصلاح طلب یا مجدد اسلامی است اما با تعالیم و کارهایش جوّی را فراهم کرد که جانشینان و پیروانش اصلاحات را انجام دهند و او را مجدد بخوانند. او در نوشته‌هایش خطاهای اخلاقی و معنوی جامعه را بیان می‌کرد. قرآن مجید را به فارسی آسان و روان ترجمه نموده و اهمیت درک این کتاب مقدس را مورد تأکید قرار داد. او در جلسات درس احادیث پیغمبر (ص) می‌کوشید چشم توده‌های مردم را درباره عناصر غیراسلامی که در اعمال ایمانی مسلمانان و همچنین آداب و رسوم اجتماعی رسوخ کرده بودند، باز کند. او بنیاد گروه اصلاحی‌ای را بنا نهاد که فعالیت‌هایشان تحت نظر شاه عبدالعزیز پسر و جانشین او ادامه داشت.

ج - سید احمد عرفان (جنبش اصلاحی محمدیه یا طریق نبوت) / سید احمد شهید برلاوی (۱۷۸۶ - ۱۸۳۱ م) پیروان شاه ولی‌الله تعالیم او را تحولی دگرگون بخشیدند؛ بدین معنا که تبدیل به فعالانی شدند که هدفشان براندازی حکومت سیک‌ها در پنجاب و ایجاد کشوری اسلامی در مرز شمال غربی بود. رهبری آنها را سید احمد شهید اهل رای بریلی بر عهده گرفت که از همکاران فعال و نزدیک پسران و خویشاوندان شاه ولی‌الله بود. این نهضت که به عنوان جنبشی دینی و اجتماعی آغاز شده بود، به زودی رنگ و بوی سیاسی گرفت و بعدها ضد بریتانیایی شد. به نظر می‌رسد که اولین نهضت عامه مردمی مسلمانان از مرز شمال غرب تا بنگال بود و سبب پیدایش جنبش‌های اجتماعی، دینی و اصلاحی در سایر نقاط کشور گردید. او در سن ۲۲ سالگی مشرب نقشبندی را با بیعت کردن با شاه عبدالعزیز پذیرفت.

سید احمد شهید، نام جنبش و طریقه خود را «طریقه محمدیه» یا «طریق نبوت» می‌نامید که هدف آن به وجود آوردن ارزش‌های اسلامی بود (عندلیب، ۱۷۵۸: ۲۳). او مانند شاه ولی‌الله دهلوی می‌خواست که عرفان اسلامی و شریعت را به یکدیگر نزدیک‌تر سازد. در حالی که مریدان در طریقت او ثبت‌نام می‌کردند، برای هر چهار مشرب تصوف و



همچنین (فاروق، ۱۹۴۲) به طریق محمدیه - خواجه میر ناصر عندلیب (۱۷۵۸ م.) نوه خواجه بهاءالدین، بنیانگذار مشرب نقشبندیه که خودش به طریقه عرفان مجدد متعلق بود، مشرب محمدیه را بنا نهاد - (طریق نبوت) از آنها بیعت می گرفت (فاروق، ۲۳). طبق گفته او، چهار مشرب تصوف به طرق غیر مستقیم یا مخفی به پیغمبر (ص) وصل می شدند، در حالی که طریق محمدیه به شیوه‌ای خارجی وصل می شد؛ در نتیجه، اعمال خارجی باید با شیوه محمدی با شریعت مطابقت داشته باشند. او احساس می کرد که احیای مجدد روحیه و عزم برای جنگیدن در راه خدا به منظور ایجاد کشوری اسلامی در هندوستان ضروری بود؛ زیرا پس از تقریباً هشتصد سال حکومت اسلامی، این حکومت داشت به سرعت از کنترل و تسلط آنان خارج می شد (غلام رسول مهر، ۱۹۴۵). او قبل از هر نوع اقدام عملی در راستای این هدف، تصمیم گرفت به زیارت مکه برود. با قایق تا کلکته و از آنجا با کشتی عازم سفر حج گردید. در این سفر در هر شهر، چه بزرگ و چه کوچک، گروه زیادی از مسلمانان نزد او می آمدند و در مشرب او ثبت نام می کردند. گفته می شود که تعداد افراد به چنان عددی در کلکته رسید که سید احمد به جای دست دادن به منظور بیعت گرفتن عمامه خود را دراز می کرد تا کسانی که می خواستند مرید او شوند، آن را بگیرند و لمس کنند (محمد حسین، ۱۹۵۷: ۵۶۳). سید احمد این زیارت را به منظور احیای اعمال اسلامی انجام داد. سید احمد می خواست تصوف را به روزهای اولیه اسلام یعنی زمانی که فرد، منافع شخصی و دنیوی خود را به مشیت الهی تسلیم می کرد، برگرداند و به شدت خداوند را دوست داشته و در راه او جان فشانی کند. با در نظر گرفتن این رویکرد، تصوف با اسلام متفاوت نخواهد بود. او عقیده وحدت الوجود^۱ مجدد الف ثانی را به وحدت الشهود^۲ ابن العربی ترجیح می داد... او بر خلاف شیخ احمد سرهندی، نه علیه دین هندو و نه مخالف هندوها بود. با هندوها رابطه خوبی داشت و حتی به خانه‌های آنها می رفت. راجا هندو، وزیر و برادر زن مهاراجه^۳ گوالیار^۴، روابط دوستانه‌ای با او داشت و به قیام او علیه سیک‌ها کمک کرد. سید احمد شخصاً پیرو تعالیم فرقه حنفی بود اما آگاه بود که این موارد غیر قابل تغییر نیستند. موضع او در مورد اصول، آشتی ناپذیر اما در مورد جزئیات، میانه‌رو و لیبرال بود. به عنوان مثال، او مصرانه از پیروان خود مانند شاه اسماعیل می خواست که پتان‌های^۵ حنفی مذهب را مجبور نکنند هنگام ادای نماز، آمین بعد از حمد را جهر خوانده و رفع یدین کنند.^۶

۱- او کل کامل است؛ همه چیز اوست و او در همه چیز است؛ من و او از یکدیگر جدا نیستیم؛ من حقیقت هستم.

۲- او راهنما است؛ همه چیز از اوست؛ من با او هستم و او با من است؛ من خدمتگزار او هستم (عاشق).

۳- Maharaja: به حاکمان هندو گفته می شود.

۴- قلعه‌ای در شهر دهلی بوده است.

۵- پتان به معنی افاغنه یا عنوانی است که دیگران به مهاجران افغانی در کشورشان خطاب می کنند.

۶- پیروان مذهب حنبلی بعد از حمد، آمین را با صدای بلند می خوانند و در رکوع رفع یدین می کنند.



سید احمد در عقاید اساسی اسلام به شاه ولی الله نزدیک تر بود تا شیخ احمد سرهندی (او در موارد جزئی با شاه ولی الله اختلاف داشت) ولی در مورد عقیده وحدت الشهود که برخی از صوفیان به آن معتقد بودند، با شیخ احمد سرهندی اختلاف داشت. او بعد از بازگشت از سفر حج، عقاید خود را اعلام کرد و جنبشی را سامان داد که به گروه «کارگران» یا «جماعت» معروف شد. کارگران از میان بخش‌های مختلف مسلمانان انتخاب می‌شدند و قرار شد به عنوان دعوت‌کننده، واعظ و اصلاح‌کننده خدمت کنند. شبکه‌ای از مراکز، به منظور اصلاح و پاکسازی اسلام ایجاد شد. ائمه جماعات در مساجد به منظور آموزش اصول اساسی و اعمال اسلامی به مردم، تعیین گردیدند. کمک‌های نقدی گردآوری و در یک صندوق عمومی قرار داده و کنترل می‌گردید. دادگاه‌های اسلامی به منظور اجرای عدالت طبق موازین شرع اسلام تأسیس گردید. چون کار اصلاح و پاکسازی فقط در یک مملکت اسلامی امکان‌پذیر بود، سید احمد فکر ایجاد یک کشور اسلامی در قسمت شمال غربی هندوستان، جایی که جمعیت مسلمانان بیشتر بود را به وجود آورد. طبعاً این امر منجر به درگیری با سیک‌ها شد که کشور و حکومتی را در پنجاب، تحت رهبری ران جیت سینگ ایجاد کرده بودند. اقدام مخاطره‌آمیز سید احمد مبنی بر ایجاد کشوری مسلمان در پنجاب موفقیت‌آمیز نبود. او در ششم ماه می ۱۸۳۱م. در حالی که با سیک‌ها می‌جنگید با تعدادی زیادی از پیروانش در حمله بالاکوت^۱ در منطقه هزاره کشته شد.

مکتب کلامی جماعت تبلیغ

اساس عقاید فکری جماعت تبلیغ که مذهب حنفی دارند، قرآن و سنت است که اولاً در اعتقاد دارای مذهب ابومنصور ماتریدی هستند و ثانیاً در فقه و فروع پیرو مذهب ابوحنیفه و ثالثاً تمسک به چهار طریقه مشهور عرفانی نقشبندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه می‌جویند (جهنی، ج ۱: ۳۰۷).

ماتریدی، فرقه کلامی بزرگی از اهل سنت و جماعت است که پایه‌گذار آن، ابومنصور محمد بن محمد بن محمود ماتریدی سمرقندی (متوفای ۳۳۳ق) است. اهل سنت و جماعت به لحاظ کلامی، از دیر زمان به دو فرقه اشاعره و ماتریدی^۲ تقسیم می‌شوند که آغاز تأسیس هر دو فرقه به قرن چهارم هجری باز می‌گردد. ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۲۶ق)، پایه‌گذار مکتب اشاعره و ابومنصور ماتریدی، هر دو در عصر واحدی

۱- منطقه‌ای بین پاکستان و افغانستان در شمال پنجاب

۲. ماتریدیان در فقه پیرو ابوحنیفه اند و عقاید خود را نیز منسوب به وی می‌دانند اما شکل کلامی مدون و نظام‌مند این فرقه به ابومنصور ماتریدی می‌رسد. برای اطلاع بیشتر از تاریخ و اندیشه‌های این مکتب کلامی رک. به تاریخ و عقاید ماتریدی از سید لطف الله جلالی (چاپ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم ۱۳۷۶)



می‌زیسته‌اند و تاریخ وفات آنان بسیار نزدیک به هم است؛ بنابراین پایه‌گذاران دو مکتب، شاهد جریان‌های واحدی در کل جهان اسلام بوده‌اند اما نکته درخور توجه، بعد مسافتی میان دو شخصیت علمی جهان اسلام و به احتمال زیاد، عدم اطلاع یکی از وجود و دست‌کم فاز اندیشه‌ها و افکار دیگری است.

به‌رغم اهمیت فراوان ابومنصور ماتریدی، درباره زندگی و کیفیت برخورد او با اندیشه‌ها و فرقه‌های گوناگون هیچ اطلاع موسعی در دست نیست اما بی‌اطلاعی از زندگی ابومنصور ماتریدی، چگونگی تلاش او برای اصلاح عقاید اهل سنت و جماعت، از اهمیت و اندیشه‌های او نمی‌کاهد. شخص ابومنصور ماتریدی در میان علما و اندیشمندان حنفی - ماتریدی ارزشی عظیم دارد و همگان به بزرگی پیشوایی او اذعان کرده‌اند. او پایه‌گذار مکتب منسجم کلامی بزرگی است که در کنار مکتب اشعری ادامه حیات داده و به نظر می‌رسد از حیث مبانی چارچوب فکری، مکتب او به مراتب از مکتب اشعری قوی‌تر و استوارتر است؛ بنابراین هر چند احوال زندگی شخصی او مورد بی‌مهری نویسندگان ملل نحل و حتی طبقات‌نویسان حنفی قرار گرفته است، مکتب کلامی و آرا و افکار او پیوسته مورد توجه و اهتمام ماتریدیان و حنفیان بوده است. کتاب التوحید و نیز کتاب تاویلات اهل‌السنه و سایر کتب او پیوسته مورد استفاده و استناد ماتریدیان قرار گرفته است و در قرن حاضر، حرکت وسیع‌تری نسبت به شناخت او آغاز شده است. مکتب ماتریدی حدوداً نیمی از اهل سنت را پوشش می‌دهد و در جغرافیای جهان اسلام، سهم عمده‌ای دارد. از کشورهای استقلال یافته آسیای مرکزی که زادگاه این مکتب است، تا چین و هند و ترکیه و جزیره بالکان و... تمام حنفیان پیرو این مکتب هستند و امروزه نیز در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر اسلامی، از جمله در الازهر مصر، مورد تحقیق و تدریس قرار دارد.

ماتریدیه در مقایسه با اشاعره و معتزله به لحاظ مبانی فکری، نزدیک‌ترین گروه به شیعه امامیه و به لحاظ اعتقادات، نزدیک‌ترین گروه به اشاعره است؛ هر چند که در عقاید بسیاری نیز با اشاعره اختلاف دارند. به‌طور مثال، ماتریدیه در بحث از جایگاه عقل که امری مبنایی است، جایگاهی بس والا‌تری نسبت به اشاعره برای عقل قائلند. در عمده مباحث کلامی، ماتریدیان از مباحث و استدلال‌های عقلی بهره می‌برند و در کنار آن از دلایل نقلی نیز استفاده می‌کنند.

مذهب ماتریدیه به تناسب کثرت جمعیتی و پراکندگی جغرافیایی، کانون‌های فکری و فرهنگی فراوانی در سراسر جهان دارد که این کانون‌ها دارای رویکردهای گوناگون آموزشی، تبلیغی، تربیتی، ترویجی و مانند آن است. در برخی از این کانون‌ها نگرش‌های فقهی غالب است و در برخی دیگر، رویکردهای صوفیانه و در برخی نیز



تلقی‌های حدیث‌گرایانه یا کلامی؛ اما نکته‌ای که درخور توجه است، ممزوج بودن این نگرش‌ها و احياناً غلبه یکی از آنها بر دیگر نگرش‌هاست. علاوه بر نگرش‌های مختلف، از میان مهم‌ترین کانون‌های فکری و فرهنگی ماتریدیه می‌توان به دارالعلوم دیوبند، جریان بریلویه، سازمان دیانت ترکیه، الازهر مصر و جماعت تبلیغ اشاره کرد.

زندگی، اندیشه سیاسی و شیوه کاری الیاس، بنیانگذار جماعت تبلیغ

فریضه دینی دعوت و تبلیغ یا به قول مولانا محمد الیاس، امر به معروف و نهی از منکر را تنها مسلمانانی به خوبی می‌توانند انجام دهند که علم صحیح از دین داشته باشند. واژه‌ای که برای علم صحیح دین در قرآن به کار رفته تفقه فی الدین، یعنی بینش صحیح دینی است؛ چون اگر مبلغ و دعوتگر دین، علم و بینش صحیح نداشته باشد، ممکن است از قلم و زبان او سخنان نادرستی بیرون آید و حتی خود وی بر این باور باشد که دارد کار دین را انجام می‌دهد. در آیه ۱۲۵ سوره نحل که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، سه مطلب را درباره دعوتگران و مبلغان دینی مورد تأکید قرار می‌دهد:

الف - دعوت به طرف دین خداوند همراه با حکمت؛ ادع الی سبیل ربک بالحکمه
ب - کمک گرفتن از سخنان زیبا در امر دعوت؛ والموعظه الحسنه
ت - اگر نیازی به بحث و مجادله باشد، بحث به روش عمدۀ و خیر خواهانه با مخاطب؛

و جادلهم بالتی هی احسن

به جای آوردن این موارد تأکید شده از طرف قرآن برای یک فرد جاهل یا نیمه‌جاهل و بی‌سواد چگونه ممکن است؟ موارد تأکیدی که اشاره شد، بیانگر این واقعیت است که کار بسیار حساس دعوت و تبلیغ را کسی می‌تواند به خوبی انجام دهد که بینش صحیحی از دین داشته باشد. انجام این کار توسط افراد ناآگاه مانند این است که به یک نابینا امر شود تا دیگران را در مسیر راهنمایی کند. از سیره نبوی چنین برمی‌آید که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آن عده از صحابه را در کار دعوت و تبلیغ مأموریت می‌دادند که از بینش صحیح دین بهره‌مند بوده و در فهم دین از دیگران جلوتر بودند. با وجود این راهنمایی‌های روشن و آشکار قرآن و سنت، جماعت تبلیغ از افراد ناآگاه در کار دعوت و تبلیغ استفاده می‌کند. مولانا اشرفعلی تهانوی در این باره نگران بود که چرا افراد ناآگاه، وظیفه تبلیغ دین را انجام می‌دهند. مولانا ابوالحسن ندوی می‌نویسد: مولانا تهانوی از این بابت نگران بودند که بدون علم، اینها چگونه فریضه تبلیغ دین را انجام می‌دهند، اما وقتی مولانا ظفر احمد توضیح دادند که این مبلغان به جز آنچه به آنها حکم شده، در سخنان خود چیز دیگری را عنوان نمی‌کنند، آنگاه مولانا تهانوی مطمئن شدند (ندوی: ۱۱۸).



الیاس کار خود را در میان میواتی‌ها آغاز کرد. در منطقه‌ای در جنوب دهلی، مئوها که به میوات معروفند، ساکن هستند. مانند بسیاری از سایر مناطق که مرزهایشان معین و ثابت نبود و بخش‌هایی از مناطق گورگئون بریتانیایی‌ها را شامل می‌شد، تحت نظر کمیساریای منطقه‌ای امبالا در پنجاب، اکثر ایالات هندونشین الور و بهارات پور و بخشی از منطقه متواری ایالت اوتار پرادش اداره می‌شدند. منشأ کلمه مئو (Meo) مشخص نیست. برخی می‌گویند که معنای آن مردان کوهستان است و این که این قبیله از چهار تیره راجپوت، یعنی تونورهای اهل دهلی، جدون‌های اهل متورا، کچوهای اهل جی پور و چوهان‌های اهل اجمیر تشکیل شده است (روز، ۱۹۱۱: ۸۲). دیگران آن را مشتق از میوات می‌دانند که گفته می‌شود تحریف عبارت سانسکرتی mina-vati به معنای سرشار از ماهی است (گزتیر، ۱۹۰۸: ۱۰۵-۱۰۴). گفته می‌شود mina از Amina Meo یا مئوی خالص (پاک) اخذ شده و اصطلاحی است که اشاره می‌کند به کسانی که مسلمان نشدند. گفته می‌شود که مئوهای بدوی همان میناهای راجپوتانا هستند. خود مئوها این کلمه را از maheo مشتق می‌دانند و کلمه‌ای است که در راندن گله‌های گاو مورد استفاده قرار می‌گیرد. مئوهای هندو ادعا می‌کنند که راجپوت هستند، در حالی که مئوهای مسلمان خود را میواتی می‌نامند. در عین‌اخبار می‌خوانیم که راجپوت‌های جدون بعد از مشرف شدن به اسلام، میواتی نامیده شدند (ابوالفضل، ج ۱: ۲۵۲ و ۳۳۴).

در اوایل حکومت مسلمانان در دهلی، میواتی‌ها در قالب افراد زیادی که تقریباً تا نزدیکی‌های شهر ادامه داشت، به دهلی حمله می‌کردند. ببلن در ۱۲۴۹م مجبور شد که مردم آشوبگر میوات را گوشمالی دهد. مئوها مجدداً در سال ۱۲۵۸م سر به شورش گذاشتند و در اوایل ۱۲۵۹م. بی‌نظمی‌های دوباره نیاز به اردو کشی دیگری را ایجاد می‌کرد (هیگ، ۱۹۵۸، ج ۳: ۷۲-۶۷). در ۱۲۶۰م. مئوها تقاص یک رشته جنایت را با تنبیهی بسیار شدید پس دادند. آنها طی چندین سال گذشته، راه‌های اطراف پایتخت را ناامن، روستاهای منطقه بیانه را عاری از جمعیت و چپاولگری‌شان را به طرف شرق، تقریباً تا پای هیمالیا گسترده بودند. راهزنی گستاخانه شترهای ویژه حمل‌ونقل در شب، باعث خشم ببلن و نبردی برنامه‌ریزی شده گردید. او در ۲۹ ژانویه از دهلی حرکت کرد و در یک مرحله راهپیمایی، خود را به میوات رساند و مئوها را غافلگیر کرد. به مدت ۲۰ روز کار کشتار میواتی‌ها و غارت اموال آنها ادامه داشت، در حالی که روحیه نظامی‌گری با وعده یک تنگه (tonga) نقره برای قتل یک نفر و دو تنگه برای دو اسیر زنده، بسیار زیاد تقویت شد. ارتش در نهم مارس همراه با رئیس قبیله‌ای که شتران را به سرقت برده بودند، به پایتخت بازگشتند. سایر ریش‌سفیدان قبیله که ۲۵۰ تن بودند، ۱۴۲ رأس اسب و ۲۱۰۰۰۰۰ تنگه نقره نیز جزو اسیران و غنائم جنگی بودند. دو روز بعد، اسیران



در ملاء عام کشتار شدند. برخی از آنان زیر لگد فیل‌ها له شدند، عده‌ای را قطعه‌قطعه کردند و بیش از یکصد تن را لاشخورهای شهر زنده پوست کردند. مدتی بعد در همان سال کسانی که توانسته بودند فرار کنند و جان سالم به در برند، به خانه بازگشتند و جرئت پیدا کردند که با به هلاکت رساندن مسافران، شاهراه‌ها را ناامن کنند. بیلن که از طریق گزارش جاسوسان خود، حرکات و محل اختفای راهزنان را شناسایی کرده بود، مانند دفعه قبل به طرف آنها شتافت، آنها را غافلگیر کرد و دوازده هزار مرد و زن و کودک را از دم شمشیر گذراند (هیگ: ۷۳ - ۷۲ و نیز ر.ک به تاریخ فرشته، ۱۹۰۸، ج ۱: ۵۶ - ۲۵۵). جنبش جماعت تبلیغ به طور کامل در تقابل با فرهنگ اخلاقی ضعیف هندوها و سیک‌ها قرار داشت که پس از ورود استعمار به شبه‌قاره و با کمک مذهب سلطه - مسیحیت - به اذیت و آزار مسلمانان پرداختند. نیاز به رویارویی اشکال فرهنگ، روزبه‌روز افزون می‌شود؛ چرا که فرهنگ همان است که زمینه سالم اجتماعی و تربیتی را فراهم می‌کند تا ذات انسان قوام گیرد و همانجاست که این انسان جدید به دور از سلطه استعماری، هم‌سازنده تمدن آینده خواهد بود و هم هدایتگر؛ بنابراین حل مشکل فرهنگ، حل مشکل سیاست نیز هست؛ چون فساد حکومت‌ها نشانه‌ای است بر فساد ذات انسان موجود در جوامع تحت سرپرستی این حکومت‌ها (سحمرانی، ۱۳۶۹: ۳۰۳). ابتکار جماعت تبلیغ، بر این اساس بود که گونه‌های تبلیغ، به راه و روش سال‌های ۱۹۲۷م. زمان شروع این حرکت بازمی‌گردد؛ به این نحو، مراحل طی می‌شد که بعدها به سرعت فعالیت‌های ایمانی‌ها، مرحله به مرحله در سراسر دنیا منتشر گردید. در شرایط فعلی، ایمانی‌ها، فعالیتشان را به صورت آشکار و به صورت شبکه‌ای گسترده انجام می‌دهند و آنقدر توانسته‌اند خود را بسط دهند که در خارج از محل نشو و نمای خود به فعالیت می‌پردازند. این درست است که گفته می‌شود در عمل، جماعت تبلیغ به بسیاری از اهداف خود رسیده است؛ چرا که جماعت تبلیغ به خودی خود ایجاد نشده اما اکنون به چنان فرایند گسترش، سنگربندی و شکل‌گیری‌ای دست یافته است که می‌توان گفت گونه‌ای از مدیریت خودشکوفای شکل داده است (موساد، ۲۰۰۹: ۸۴).

شش حرف، شش اصل یا شش صفت جماعت

عنوان شش حرف را که اساس و پایه جماعت تبلیغ است، حضرت جی انعام الحسن برای گروهی که عازم حجاز مقدس بودند، تحریر نمود تا این کار به طور صحیح بنیانگذاری

۱. طبق اسناد و گفته‌های بنیانگذار سال ۱۹۲۶م صحیح‌تر است.

۲- به گروه‌ها و اعضای جماعت تبلیغ که اوقات زیادی را برای تمرین مبارزه با نفس، امر به معروف و نهی از منکر صرف می‌کنند، انسان‌های ایمانی یا ایمانی‌ها گفته می‌شود.



شود (قادری، ۱۳۹۱: ۵۵ به نقل از: الفرقان، حضرت جی، شماره ۹۵). مولانا مظفر احمد قادری از شش حرف به «اصول جماعت» یاد می‌کند و می‌نویسد:

اینها هستند اصول جماعت یا شش حرف یا شش شماره یا هر نامی که می‌خواهید بگذارید (همان: ۱۰۵).

ایمان بذر دین است و برای القای آن در میان مسلمانان ضرورت دارد که از مکانی به مکان دیگر سفر کرد. الیاس کار خود را به شخم زدن و آماده کردن زمین و آبرسانی آن تشبیه کرد، در حالی که کارهای بعدی، یعنی تأسیس مدارس و حوزه‌های علمیه، مانند باغ و بوستانی است که زمین آن قبلاً آماده شده و باید در آن نهال درختان میوه کاشت. او در نامه دیگری می‌نویسد:

مردمی که هنوز عبارت لاله‌الاله‌الله را نمی‌دانند، اگر مقدمات خود را تصحیح نکنند، چگونه می‌توانند هدف نهایی خود را اصلاح نمایند؟ هدف را پیش از اصلاح مقدمات نمی‌توان به نحو شایسته‌ای معین کرد؛ بنابراین عقاید میانی و نهایی را حذف کرده‌ام. اگر مقدمات اصلاح گردد و آنها در مسیر مناسب قرار داده شوند، خودشان به تنهایی به هدف نهایی دست خواهند یافت ولی فکر اصلاح هدف نهایی و نپرداختن به مقدمه، چیزی جز شهوت نیست (ندوی: ۲۵۹). مولانا محمد الیاس، صفات شش‌گانه‌ای را به عنوان مرجع و منبع برای تمرین و بیان توده و عوام جماعت تبلیغ که به آن اصول شش‌گانه یا صفات شش‌گانه گفته می‌شود، وضع نمود (تویجری، ۱۴۱۸: ۱۵۰). این صفات شش‌گانه، اولین چیزی است که به مردم عرضه می‌کنند و مردم را به سوی آنها دعوت کرده (طالب الرحمن: ۳۷۹) و از آن به صفات الست یاد می‌کنند (پیشین: ۱۵۲)؛ و آن صفات عبارتند از:

صفت اول؛ کلمه طیبه

صفت اول که به «کلمه» شهرت دارد و آن، شهادت لاله‌الاله‌الله و محمد رسول الله است و نیز کلمه تقوی و عروه الوثقی است که هر کس به آن تمسک کند، مسلمان است (پیشین). کلمه - اظهار شهادتین - اولین اصل جماعت و موضوع سیاست است. گارده و آرکون در این زمینه چنین می‌نویسند:

خصلت‌های دو گانه و درعین حال متحد امت اسلام عبارتند از:

الف) جنبه دینی و مذهبی که بنای آن بر توحید پایه‌گذاری شده و با هر گونه بت‌پرستی مبارزه می‌کند و هر شرکی را نسبت به خداوند محکوم می‌نماید. بر اساس نظریه فقهای اسلامی، نخستین فرمان صریح اسلام که از کتاب و سنت استنباط می‌شود، ایمان به یگانگی خداوند و پرهیز از هرگونه شرک است.

ب) جنبه اجتماعی و وحدت امت؛ زندگی در اجتماع با تمام ابعاد اجتماعی،



سیاسی و اقتصادی‌اش باید بر احترام و پذیرفتن و اشاعه اصل الوهیت واحد - لاله‌الاله - استوار باشد که فرع بر وجود خداوند است؛ زیرا اگر خدایی نباشد، وحدانیت هم متصور نیست. محمد(ص) برگزیده و پیامبر خداوند است و این مفهوم به وسیله شعار و کلمه شهادت بیان می‌شود که متضمن اعتراف و ایمان به یگانگی خداوند و اطاعت از دستورات قرآنی است که ضمن آن، روابط بین انسان‌ها نیز تثبیت شده است. (گرده و ارکون: ۴۴ - ۴۳).

این اصل، انگیزه عملی و احساسات عبودیت را در پرتو دستورات الهی برای بندگان به ارمغان می‌آورد (الهی، ۱۳۶۱: ۱۹). ایشان در نامه‌ای چنین می‌نویسد:

قومی که انحطاط دینی آن در تلفظ کلمه لاله‌الاله نمایان است، بدون اصلاح امور ابتدایی و مقدماتی دین، چگونه می‌تواند شایستگی اصلاح امور تکمیلی آن را در خود به وجود بیاورد؟ دسترسی به مرحله تکمیلی دین بدون اصلاح مراحل مقدماتی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین برای درست شدن مراحل مقدماتی، تصور مراحل میانی و نهایی را به طور کلی رها ساختم. وقتی در مسیر دین افتادیم، خودبه‌خود وارد مراحل نهایی خواهیم شد. و بوالهوسی است اگر بدون طی مراحل مقدماتی دین، آرزوی رسیدن به مراحل نهایی را داشته باشیم (ندوی: ۲۸۴).

همه دعوت‌کنندگان به تبلیغ، حول مبادی شش‌گانه دور زده و از آن تجاوز نمی‌کنند و این مبادی، صفات شش‌گانه نام دارد که اول آنها کلمه طیبه است «لااله الا الله و محمد رسول الله» و مقصود از این کلمه اخراج یقین فاسد از دل بر اشیا و ادخال یقین بر ذات خداوند متعال است؛ یعنی کسی جز او خالق، رازق و مدبر نیست و مصلحت دعوت در نزد ایشان این است که از هر چیزی که باعث تفرقه، اختلاف و نفرت از جماعت می‌شود، درباره آن صحبت نمی‌کنند (حرابی: ۴۵۲).

صفت دوم؛ برپایی نماز

منظور از این صفت، نمازهای پنج‌گانه، نمازهای جمعه، جماعت و عیدین است (پیشین: ۱۵۲). این اصل که به نماز مشهور است، باعث تمرین احکام الهی در همه شئون زندگی می‌گردد (پیشین: ۱۹). منظور اقامه نماز با خشوع قلب است (حرابی: ۴۵۲).

روایات متعددی درباره این مطلب که تمام گناهان با خواندن نماز پاک می‌شوند و از بین می‌روند، نقل شده که در حدیثی آمده است:

هر شخص برای خواندن نماز توجه کند، خداوند به پنج شکل او را اکرام و احترام می‌کند: ۱- تنگی رزق از وی برداشته خواهد شد. ۲- عذاب قبر نخواهد



داشت. ۳- نامه اعمالش در روز قیامت به دست راستش داده خواهد شد. ۴- از پل صراط به سرعت عبور خواهد کرد. ۵- از حساب و کتاب روز قیامت در امان خواهد بود (محمدزکریا، ۱۳۷۹: ۳۱۳-۳۱۲).

صفت سوم؛ علم و ذکر

علم و ذکر نزد جماعت تبلیغ دو نوع است: «علم فضائل»؛ این علمی است که در جلسات خصوصی و سخنرانی‌های عمومی از آن یاد می‌کنند. «علم مسائل»؛ علمی است که هیچ‌کدام از جماعتی‌ها یادآور آن نمی‌گردند بلکه پیروانشان را از تعلیم آن بر حذر می‌دارند؛ زیرا باعث اختلاف می‌شود (پیشین). علم به ارکان پنج‌گانه اسلام (شهادت، نماز، روزه، زکات و حج) عبدالله تویجری آن را به شش رکن به نام ارکان سته ایمان یادآوری نموده است (تویجری: ۱۵۲). علم برای این است که احکام الهی و طریقه ادای آنها فراگرفته شود و ذکر انگیزه و جذبه عبودیت را افزون می‌نماید و عظمت خداوندی در دل جای می‌گیرد (الهی: ۱۹). بر مبنای احادیث معین، به نقل از پیامبر (ص)، ذکر یا عملِ ایثار، بزرگ‌تر، مهم‌تر و شایسته‌تر از زخمی شدن شخص هنگام نبرد در راه خداوند است. از نظر الیاس، ذکر به معنای به یادآوردن خداوند، نقل ستایش و عظمت او در تمامی ساعات بیداری است. او توصیه کرد که ذکر باید در تمامی اوقات در حال ایستاده، نشسته یا دراز کشیدن انجام شود. به هر حال، الیاس تأکید کرد، مقداری از وقت باید برای نیایش‌ها در صبح، عصر و بخشی از شب اختصاص یابد (فریدی، ۱۹۶۷: ۴-۳۳). او احساس می‌کرد که ادعیه باید به صورت انفرادی و نه گروهی انجام شود. ذکر را می‌توان آشکارا و زبانی یا به سادگی در قلب یا بدون تسبیح انجام داد. الیاس ترجیح می‌داد که ذکر بدون آواز و به آرامی و بسیار ملایم مانند فرقه نقشبندیه و برخلاف فرقه قادریه که به صورت جمع و با صوت بلند می‌خوانند، تکرار شود. او توصیه کرد که باید تمام آیه‌ها و اذکاری که طی نمازها خوانده می‌شود، با حداکثر توجه قرائت شوند. این امر منجر به وصلِ باطنی یا رمزی با خداوند می‌شود، همان‌گونه که نماز، ارتباط برونی با اوست. علاوه بر ذکر، نیایش‌های توصیه‌شده ستایش خداوند، استغاثه و استدعاهایی است که در قرآن یافت می‌شود. الیاس مانند سهروردیه، خواندن و تکرار قرآن را به‌ویژه عملی ثواب‌آمیز تلقی می‌کرد. او تأکید زیادی بر قرائت بخش اول (هاشمی، ۱۹۹۶: ۶۳-۵۸). مقوله ایمان و بخش سوم ادعیه‌ای مانند: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم، می‌کرد. از مرید خواسته می‌شود که این ادعیه را در تمام اوقات، حتی هنگام دراز کشیدن بخواند (محمد زکریا: ۱۹۶۲).



صفت چهارم؛ اکرام مسلم

منظور از اکرام، احترام کل مسلمانان است (حربی، ۴۵۲). هر کس اقرار به لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) داشته باشد، واجب است او را احترام و اکرام کنیم (پیشین: ۲۰۸)؛ زیرا طریقه معاشرت و مشی با بندگان خدا را معلوم می‌نماید (پیشین).

صفت پنجم؛ اخلاص

صفت پنجم، اخلاص یا تصحیح نیت است که واجب است کارها فقط برای خدا و رضای او باشد (تویجری، ۲۱۱). و (مسلمانان) رضایت او را مدنظر داشته باشند و مقصد، فقط آخرت باشد (الهی: ۱۹).

صفت ششم؛ تفریغ وقت یا تبلیغ گروهی

تبلیغی‌ها در راه خدا از منزل خارج می‌گردند که به عربی «نُفِر» گفته می‌شود (حربی، ۴۵۲). یا خروج با جماعت، برای تبلیغ اصول پنج‌گانه فوق‌الذکر و دعوت مردم به سوی آنها (پیشین، ۲۱۴). یک مسلمان آرامش، راحتی دنیا، کار و کسب را رها کرده برای این دعوت، هجرت کند و اصول مذکور را تمرین نماید و دیگران را نیز دعوت کند و از غفلت و کارهای بیهوده پرهیز نماید (پیشین).

الیاس خودداری از صحبت‌های دنیوی بیهوده و وارد نشدن در گفتگوی غیر ضروری را ستون جنبش خود نمود (هاشمی، ۱۹۹۶، ۱۴۲-۱۴۱). شیوخ صوفیه نیز این امر را بر مریدان خود، به‌ویژه آنهایی که در خانقاه زندگی می‌کردند، تحمیل می‌نمودند (نظامی: ۱۹۷).

تحول جماعت^۱

جماعت، سیاست را تکمیل مبانی اسلام می‌داند و در این دوران، اولویت را به فضایل دین که مشترک بین همه است، می‌دهد و برای اصلاح فرد و جمع و ملکه شدن فضیلت در وجودش، سه نوع اصلاح را پیشنهاد می‌دهد:

الف. اصلاح فکر و اندیشه با عنوان کارِ دل و تقویت ایمان

ب. دعوت و تبلیغ در مناطق محروم و اقوام بدوی

ج. به جای اینکه مردم سراغ علما بیایند، علما با هجرت سراغ مردم بروند

الیاس ضمن اینکه گروه‌های خویش را از ورود در عرصه‌های سیاسی بی‌حاصل برحذر می‌دارد، در این اندیشه است که با تمسک به واژگان کلیدی سیاسی اسلام به تکمیل آن پردازد. وی مسائل اختلافی فقهی را که کار مفتیان و فقهاست به آنان

۱- در بحث قبلی به طور تفصیل در این رابطه بحث شد.



واگذار می‌کند و جماعت خویش را به شدت از ورود به مسائل فقهی اختلافی باز می‌دارد و برای این امر، شش صفت مشترک بین همه مذاهب مسلمان را پیشنهاد می‌دهد تا همیشه به آنها عمل نمایند.

تحول و تغییر در جماعت را در سه دوره مورد بحث قرار می‌دهیم:

عصر سنت: اشرافیت فکری و ایدئولوژیک، استفاده از امکانات دم‌دستی ساده مانند نیروی انسانی رایگان، زندگی در مسجد، عدم پذیرش هدیه، دعوت و کمک غیر اعضای جماعت، تکنیک صدر اسلام، خلافت، امارت. ویژگی‌های این دوره عبارت بود از: واقع‌گرایی سنتی، عرفان، مذهب و ذکر فضایل.

عصر مدرن: مکانیکی، سازمان مستقل، ویزای رایگان، سهمیه حج جهت ارتباطات و تشویق و تشکیلات حمل‌ونقل رایگان با تکنولوژی جدید. ویژگی‌های این دوره عبارت است از: بیان فضایل با تکیه بر شش موضوع مدونه، تفهیم متن و گوش دادن به جهان زیست‌های اطراف، آموختن بازی و ادبیات زبانی آنها.

عصر پسامدرنیته: نزدیک شدن به دولت‌های الکترونیک، پسامدرنیته و تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای، استفاده اعضا از رسانه‌های دیجیتال، پخش آنلاین همایش‌های بین‌المللی، اینترنت، فضای سایبری. ویژگی‌های این دوره عبارت است از: آرمان‌گرایی و توده‌گرایی، علم تکمیلی دعوت و تبلیغ با تفکیک امر به معروف و نهی از منکر، آرامش و برهم زدن امنیت مردم و دنبال دنیا نرفتن.

بنیانگذاران: سه دوره و تحول را می‌توان در بنیانگذاران مورد بحث قرار داد؛ دوره اول که شروع حرکت بود، بنیانگذاران آن از قداست خاصی نزد مریدان و پیروان خود برخوردار بودند که به هر سه شخصیت اول لقب «حضرت جی» یعنی حضرت آقا می‌دادند؛ لقبی که مردم به گاندی داده بودند و به وی «گاندی جی» می‌گفتند. و این سه شخصیت سیستم سیاسی اخلاق، تقوا، مذهب، کاریزما، عدالت، فضیلت، غایت، اشراف و سادات را به خود اختصاص داده بودند. سه شخصیت دوم، نویسندگان و مؤلفان جماعت تبلیغ بودند که لقب «امارت» داشتند و سه نفر سوم سمت‌های اجرایی در زمینه «شبکه‌ای شدن (شورا)، عصر اطلاعات و جوامع شبکه‌ای» داشتند. سه نفر اول عبارت بودند از: محمدالیاس، محمدیوسف و انعام الحسن؛ سه شخصیت دوم: سید ابوالحسن ندوی، مولانا منظور نعمانی و حاج عبدالوهاب، امیر فعلی جماعت تبلیغ پاکستان که سیستم آنان مبتنی بر شوراگرایی، تفکیک قوا، انتخابات، رأی، مدیریت، تفکیک مشاغل، تخصص، قانون، مجلس، شهروندی و حقوق بشر بود؛ و گروه سوم: مولانا سعد، عضو شورای مرکزی جماعت تبلیغ هند و نوه مولانا الیاس و مولانا زبیر، فرزند انعام الحسن و عضو شورای مرکزی جماعت تبلیغ هند که چندماه



قبل فوت نمود و مولانا جمشیدعلی، معاون فعلی جماعت پاکستان که سیاست آنان تعهد و سرمایه اجتماعی بالا، جدال نکردن پارادایم‌های متفاوت - احترام به تفاوت‌ها - سکوت و جدل نکردن، اتصال به دولت الکترونیک، دیپلماسی دیجیتالی (آمادگی بهره‌گیری از امکانات دولت جدید، جامعه مدنی مجازی، شهروندخبرنگار، جنگ نرم و قدرت سازهای) است.

آرمان و چشم‌انداز جماعت

اهداف، ایده‌آل و آرمان جماعت، گروه‌ها و مراکز وابسته به آن، رسیدن به مدینه فاضله زیر است:

الف) گروه‌های ایدئولوژیک که در تقابل با دیگران خاموشی، سکوت، صلح و آرامش را در پیش گرفتند.

ب) تلفیقی از دولت‌شهر افلاطون و فارابی:

ب.۱. گفتمان آنان خلافت و امارت سنی است و حکایت از آرزوهای دولت‌شهر آرمانی دارد.

ب.۲. آرمان‌شهرشان رجال بافضیلت دارد که گاه مدینه فاضله روحانیه و گاه دولت اهل خیر، صفا و احبا نامیده می‌شود.

ب.۳. هدف نهایی پیروزی دین و سعادت آخرت

ب.۴. شبیه اخوان‌الصفا

ج) پیوندخوردگی و غربت‌نشینی

د) اجرای قانون و شریعت

نتیجه

تلاش این تحقیق، نشان دادن چگونگی بازتاب سیاست در جنبش جماعت تبلیغ براساس مدلی بود که نویسنده در ۱۰ سال فراگیری علم سیاست در ایران و با مشاهده و مشارکت بیست‌ساله همراه این جریان، بر آن تمرکز کرده است. لازم می‌دانم اشاره کنم که چنین مطالعه‌ای با توجه به حساسیت‌های منطقه‌ای انجام نشده و در منطقه به شدت مورد استقبال قرار گرفته است.

نتیجه حاصل از پژوهش این بود که:

نخست: سیاست به معنای برگرفته از تفکر جمعی علمای مسلمان با تفکیک اسلام مکی و مدنی در این جماعت بروز و ظهور جدی دارد و برخلاف کسانی که این جنبش را غیرسیاسی می‌دانند، نگارنده بر این باور است که جنبشی سیاسی است؛ به این معنا



که حامل اندیشه سیاسی است و امیدوار است محققان دیگر در تبیین ابعاد سیاسی آن بکوشند. در برخی موارد، بعضی از اعضای آنان به دلیل اتصال به مأخذ و ریشه اصلی خود - مکتب دیوبند - وارد خدمات جهادی به معنای جهادگرایی که گاهی منجر به افراط گردیده، شده‌اند. سجستانی می‌نویسد:

دیوبندی‌ها برای اسلام و مسلمین خدمات جهادی زیادی از جمله جهاد علیه بریتانیا، علیه ختم نبوت - قادیانی‌ها - همراهی با جهاد کشمیر، حمایت از حرکت طالبان و... انجام داده‌اند (سجستانی: ۴۴).

دوم: سیاست در این جنبش، شکل واحدی نداشته بلکه دچار تحولات اساسی شده که می‌توان به تحول آن در سه دوره سنت، مدرن و پسامدرن اشاره کرد که در دوره سنت شریعت، عرفان و مذهب حنفی توأم با تقلید تداوم یافته است. این دوران که همزمان با شکل‌گیری مکتب دیوبند توسط دو مجدد مکتب حنفی، یعنی شیخ احمد سرهندی و شاه ولی‌الله دهلوی بود، بیشتر به مسائل دینی مردم مطابق با فقه پرداخته می‌شد. در دوره مدرن که احساس مقابله جدیدی بعد از اخراج استعمار با پوشش مدرنیته و سکولاریسم و روشنفکری دینی به علمای دیوبندی و به تبع آن جماعت تبلیغ، دست داده بود با تمسک به بقیه مذاهب و ایجاد گفتگو و تعامل با فرق مسلمان، از تک‌بعدی حنفی دیوبندی خارج شده و به اعتدال و میانه‌روی توأم با اجتهاد از بقیه مذاهب روی آوردند. در دوره پسامدرن عزم، اراده، شهادت و جهاد توأم با رادیکالیسم به دلیل حمایت از بعضی از جنبش‌های شبه‌نظامی همسو در عقیده و سلوک، نمود بیشتری داشته است.

منابع

۱. ابن نبی، مالک (۱۹۷۰م)؛ **انتاج المستشرقین**، مکتبه عمار للطباعه و النشر و التوزیع، قاهره
۲. احمد النعیم، عبدالله (۱۳۸۱ش)؛ **نواندیشی دینی و حقوق بشر**، ترجمه حسن علی نوریها، نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۳. اکبر احمد (۱۳۸۹ش)؛ **اسلام از آغاز تا امروز**، ترجمه اردشیر اشراقی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
۴. اعظمی، الطاف احمد (۱۳۸۵ش)؛ **جماعت تبلیغی**، ترجمه نذیر احمد سلامی، مؤسسه فرهنگی هفت اقلیم شرق، زاهدان
۵. الهی، محمد عاشق (۱۳۶۸)؛ **حروف شش گانه**، ترجمه غلام محمد سربازی، مکتبه محمدیه سراوان
۶. بلاچمن. اچ (۱۸۷۳م)؛ مقدمه‌ای بر ابوالفضل علامی، عین اخبار، حرف‌آ، کلکته، هند



۷. تویجری، عبدالله بن حمود (۱۹۹۷م)؛ **القول البلیغ فی رد علی جماعه التبلیغ**، ج ۲، دارالصبیعی، ریاض، عربستان سعودی
۸. جان کوپر، رونالد نتلر و محمد محمود (۱۳۸۰ش)؛ **اسلام و مدرنیته**، ترجمه سودابه کریمی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، تهران
۹. حربی، ممدوح (۲۰۱۰م)؛ **موسوعهاالفرق والمذاهب و الادیان المعاصره**، انتشارات الفاء، جیزه، مصر
۱۰. ۱۰. حسابی، اقدس (بی تا)؛ **جاذبه اسلام** (مکاتبه بین مودودی و مریم جمیله)، انتشارات شفق، قم
۱۱. سحمرانی، اسعد (۱۳۶۹ش)؛ **مالک ابن نبی، اندیشمند مصلح**، ترجمه صادق آیینه‌وند، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۱۲. شیال، جمال الدین (۱۳۸۳ش)؛ **نهضت‌های اصلاحی شبه‌قاره هند**، ترجمه غلام حسین جهان تیغ، انتشارات مؤسسه فرهنگی هفت اقلیم شرق، قم
۱۳. طالب الرحمن (۱۴۱۰ق)؛ **جماعه التبلیغ**، دارالزمان، مدینه، عربستان سعودی
۱۴. طه، محمود محمد؛ **الانسان برساله الاولى لایصلح لانسائیه القرن العشرين** (نسخه الکترونیکی: www.alfikra.org/books/bk010.htm)
۱۵. عندلیب (۱۷۵۸م)؛ **خواجه میر ناصر**، پاکستان، لاهور
۱۶. علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶ش)؛ **روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام**، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
۱۷. فاروق (۱۹۴۳م)؛ **بی نام**، لاهور، پاکستان
۱۸. فریدی، افتخار (۱۹۶۷م)؛ **کار تبلیغ**، دهلی و قاهره ۱۹۶۰م
۱۹. قادری، ارشد (۱۳۸۶)؛ **زلزله**، ترجمه نذیر احمد سلامی، نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت، زاهدان
۲۰. قادری، مظفر احمد (۱۳۹۱ش)؛ **کارگزاری یک جماعت تبلیغی**، ترجمه غلام محمد سربازی، نگین کویر، زاهدان
۲۱. کاندهلوی، محمد ذکریا (۱۹۰۱م)؛ **سوانح عمری**، معهد الخلیل، کراچی
۲۲. گارده، لویی و محمد ارکون (۱۳۷۰ش)؛ **اسلام: دیروز - فردا**، ترجمه محمد علی اخوان، ج ۲، انتشارات اخوان خراسانی، تهران
۲۳. مد کالف، مسعود (۲۰۰۰م)؛ **یک جنبش فراگیر اسلامی برای ایمان**، برلین، لیدن
۲۴. محمد حسین (۱۹۵۷م)؛ **سید احمد شهید در تاریخ جنبش آزادی**، ج ۱، کراچی، پاکستان
۲۵. مشیر الحسن (۱۳۶۷ش)؛ **جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند**، ترجمه حسن لاهوتی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد
۲۶. موساد، محمد خالد (۲۰۰۸م)؛ **مسافران ایمان**، مطالعات بین الملل اسلامی، سنگاپور
۲۷. مهر، غلام رسول (۱۹۴۵م)؛ **سید احمد شهید**، لاهور، پاکستان



۲۸. ندوی، سیدعلی ابوالحسن (۱۳۷۷ش)؛ مولانا محمد الیاس و نهضت دعوت و تبلیغ، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، تربت جام
۲۹. نظامی، خلیق احمد (۱۹۶۱م)؛ برخی از جنبه‌های دین و سیاست در هند طی قرن سیزدهم، هند، دانشگاه علیگره
۳۰. نعمانی، محمد منظور (بی‌تا)؛ روش کار نوسازی دینی ما (سخنرانی)
۳۱. نور، فریش، آ (۲۰۱۰م)؛ روندگان شجاع جماعت تبلیغ بدون مرز، مرکز مطالعات و پژوهش‌های بین‌الملل راجاراتنام، سنگاپور
۳۲. وائل بن حلاق (۱۳۸۶ش)؛ تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، تهران
۳۳. هاشمی، صاحب‌الحسن (بی‌تا)؛ ماده ۶ تحریک تبلیغی، هند، دهلی
۳۴. هاشمی، عبدالمنعم (۱۹۹۶م)؛ سلسله‌الاعلام، بیروت و دمشق
۳۵. هیگ، سر ولزلی (۱۹۵۸)؛ تاریخ هندوستان، ترک‌ها و افغانه، ج ۳، هند، دهلی
36. Berger, Peter (1979), *Facing up to Modernity*, Penguin Books, Harmondsworth
37. Frish, A. Noor: *The Arrival and Spread of the Tablighi jamaat In West Papua* (Irian Jaya), Indonesia, S. Ranjaratnam School of International studies Singapor, 2010
38. Noor, Frish. A, *The Arrival And Spread of The Tablighi Jamaat In West Papua* (Irian Jaya), Indonesia 36, 8Rajaratnam School of Internatinal Studies Singapore, (February, 2010)
39. Imtiaz Ahmad, *Exclusion and Assimilation in Indian Islam* in Attar Singh (ed.) Socio – Cultural of islam in India (Punjab University, Chandigarh, 1976)